

مذاکره با رسوبات گذشته ممکن نیست



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

سایه‌ازسرگیری جنگ همچنان بر سر کشور سنگینی می‌کند و اضافه بر آن، تحرکات مشکوکی در برخی کشورهای همسایه جریان دارد که کم‌و کیف آن روشن نیست.

سیاست صبر و انتظار و تعلیق و بلاتکلیفی در حالی که روند تحولات زیرپوستی در خاورمیانه و مرزهای اطراف ما سرعتی خیره‌کننده به خود گرفته است، حکم زهر برای کشور دارد و برای خنثی‌سازی تهدیدها و توطئه‌ها لازم است دستگاه دیپلماسی کشور نوآوری‌های راهگشایی از خود نشان دهد.

این در حالی است که به نظر می‌رسد چنین نوآوری‌هایی از وزات خارجه بوروکراسی زده و بی‌رق کشور برنمی‌آید و بنابراین باید برای آن چاره‌اندیشی اساسی صورت گیرد.

دیپلمات‌ها هر چند که از استعداد فردی در حرفه خود بر خوردار باشند، اما حضور آنان در یک جایگاه سازمانی تعریف‌شده برای سالیان طولانی، به تدریج ذهن آنان را ایستا و رسوب‌زده می‌کند و قدرت ابتکار و نوآوری را از آنها می‌گیرد؛ به‌طوری‌که در یک دایره خودساخته اسیر می‌شوند و توان و امکان خروج از آن را پیدا نمی‌کنند. این عارضه البته مختص دیپلمات‌ها و وزارت خارجه نیست و در هر اداره و مرکز دولتی و غیردولتی اتفاق می‌افتد. با این حال، این عارضه در زمان‌های عادی خیلی به چشم نمی‌آید و از دیده‌ها پنهان می‌ماند ولی به محض پیدایش بحران، خود را در تمامی ابعادش نمایان می‌سازد.

صرف‌نظر از استعداد و تخصص شخصی سیدعباس عراقچی و تیم همراهش، متأسفانه نوعی رسوب‌زدگی در سخنان آنان دیده می‌شود که سبب تکرار ملال‌آور جملات کلیشه‌ای و فاقد خلاقیت از طرف آنان شده است. شاید به دلایلی مشابه است که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا نماینده خود را برای مذاکره با ایران از میان دیپلمات‌های باسابقه

مقامات

در پیامی به ایرانیان مقیم خارج از کشور

پزشکیان: پنجره دیپلماسی همچنان باز است

گروه خبر: مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، دیروز در پیامی خطاب به ایرانیان مقیم خارج از کشور با بیان اینکه دولت همدلی ایجادشده در میان مردم و مسئولان در جریان جنگ ۱۲ روزه را یک فرصت برای خدمت‌رسانی بیشتر به ملت می‌داند، تاکید کرد: «در ایامی که کشور ما در معرض آزمونی بزرگ قرار گرفت، مردم به عنوان صاحبان اصلی این کشور، نشان دادند که قلب تپنده این سرزمین‌اند. این ایستادگی و حمایت و پشتیبانی، امروز سزاوار دیده شدن، شنیده شدن و سپاسگزاری است و قطعاً مسئولیت کارگزاران را بیش از پیش سنگین‌تر کرده و انتظارات بحقی را ایجاد نموده است. در این حوادث، گرچه فشارهای روانی و مشکلات زیادی بر ملت ما تحمیل شد، اما شاهد شکل‌گیری یکی از کم‌نظیرترین جلوه‌های مشارکت عمومی و وفاقی و انسجام اجتماعی در تاریخ معاصر ایران بودیم و ایرانیان داخل و خارج، منتقد و غیرمنتقد همچون یدی‌واحد در مقابل دشمن متجاوز ایستادگی و اراده خود را بر دشمن تحمیل کردند. در این میان آرامش، خردورزی و صلابت رهبر انقلاب از روز نخست جنگ تحمیلی برای شکل‌گیری یک بسیج ملی در مبارزه با متجاوزان، سرمایه بالنده و قوام‌بخش دیگری بود که وحدت نظام اسلامی را به همه ما یادآور شد.

او با اشاره به اینکه امروز اما فصل جدیدی آغاز شده است، افزود:

«فصلی از امیدآفرینی و حرکت به سوی ایرانی امن‌تر، آرام‌تر و مقتدرتر. این راه، تنها با همراهی و همدلی مردم عزیز، با حفظ وفاقی ملی و با تکیه بر نیروی جوانی و اندیشه‌های نو، ممکن خواهد بود. برای گشودن افق‌های جدید، باید به گذشته با نگاهی منتقدانه بنگریم. آنچه ما را به سوی آینده‌ای بهتر می‌برد، بازسازی امید، آمادگی برای یادگیری، تغییر و ساختن مسیری نوبا‌فراقی، همدلی و عقلانیت است. امنیت ملی ما، هم با اقتدار نظامی و هم با پیوند دل‌ها و وحدت اجتماعی تضمین می‌شود. اکنون زمان آن است که به افق‌گشایی و امید به آینده‌ای روشن با پشتوانه سرمایه اجتماعی عظیم کشور، به سوی ساختن ایرانی شکوفاتر گام برداریم. ما هیچ‌گاه به دنبال جنگ نبوده و همواره به دنبال نقش‌آفرینی

ادامه سر مقاله

آیا جاسوس‌ها را شناسایی و دستگیر می‌کرد؟ یا پدافند را ارتقا می‌داد؟ یا قدرت نظامی آن بیشتر می‌شد؟ یا مردم حمایت بیشتری از جنگ می‌کردند؟ یا متحدین جدیدی پیدا می‌کرد؟ روشن است که همه این موارد را می‌توانستند در دور مذاکرات نیز انجام دهند و باید هم انجام می‌دادند و انجام اینها هیچ ربطی به بود و نبود در مذاکرات نداشت و نباید‌ها داشته باشند.

مسئله این است که دست سیاست‌مداران در تصمیم‌گیری چندان باز نیست. این‌گونه نیست که یک راه خیر محض و راه دیگر

انتخاب نکرده و در عوض یکی از دوستان تاجرش را به این منظور برگزیده است تا فارغ از دایره‌های بسته‌مرسوم و تنگ‌بست‌های ذهنی گذشته، با فکری باز و از زاویه‌ای بدیع به موضوع بنگرد و در مدت زمانی مشخص، به موضوعات مورد اختلاف هم‌جهت با انتظارات کاخ سفید فیصله دهد. هر اشکالی که در کار استیوویتکاف وجود داشته باشد، اما او ظاهرأ فردی صریح و فیصله‌بخش است؛ درست بر خلاف مذاکره‌کنندگان ایرانی که گویی در مدار تکرار و ابهام و تردید و کش‌دادن مباحث می‌چرخند.

مشکل دیگری هم در کار تیم مذاکره‌کننده ایرانی به چشم می‌خورد و آن بی‌اعتمادی پاره‌ای محافل ذینفوذ و صاحب‌قدرت به آنهاست که به‌طور واضح خود را در رسانه‌ها نشان می‌دهد. مذاکره درباره موضوعی از هر جهت سرنوشت‌ساز در زیر بمباران خبری بخشی از اصحاب قدرت، به خودی خود فلج‌کننده است و حتی اگر مشکل تاروپودهای دیوانسالاری و نهشت‌های ذهنی هم در میان نباشد، کار پیش نمی‌رود.

از این جهت به نظر می‌رسد که تیم مذاکره‌کننده، نیاز به تغییر دارد. ریاست تیم باید به فردی خلاق و نوآور و رها از کلیشه‌ها و رسوبات گذشته سپرده شود تا قادر باشد ابعاد بحران را از زوایای متفاوت ببیند و به‌خصوص در مورد امتیازات از دست‌رفته یا واقعی، توان داد و ستد داشته باشد. چنین فردی می‌تواند مثل ویتکاف دارای پیشینه‌ای اقتصادی و صاحب تجربه بلاواسطه از امور مربوط به سرمایه و سرمایه‌گذاری در کشور باشد و فرصت‌ها و تهدیدها را نه در گذشته که در آینده جست‌وجو کند. اضافه‌بر این، مسئول تیم مذاکره‌کننده باید از حمایت روشن و علنی و قاطع عموم نهادهای ذیربط بر خوردار باشد تا هیچ فرد و گروه و نهاد و مؤسسه و بنگاه و بنیادی از جایگاه حکومتی و وابستگی به حاکمیت قادر به مقابله با او و تضعیف موقعیتش نباشد. بدون چنین حمایت صریح و علنی و همه‌جانبه‌ای از طرف نهادهای ذیربط، هیچ مذاکره‌کننده‌ای نمی‌تواند گام از گام بردارد. جرات و جسارت لازم برای شانه دادن به زیر باری چنین سنگین در پرونده‌ای تا بدین پایه حساس و سرنوشت‌ساز به حمایت یکپارچه و بدون اما و اگر احتیاج دارد.

۲

تیتریک

HEADLINE ONE



عکس: ایران

بررسی اظهارات محمدجواد ظریف درباره ریشه‌های حمله اسرائیل به ایران

بفهمیم نفوذ از کجاست



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

وزیر امور خارجه پیشین کشورمان در گفت‌وگویی طولانی با خبرگزاری ایرنا، به بررسی ابعاد مختلف جنگ ۱۲ روزه، تحلیل شرایط فعلی و آسیب‌شناسی مسائل جاری کشور پرداخت. به‌طور طبیعی، با توجه به سوابق دیپلماتیک محمدجواد ظریف، اصل این گفت‌وگو بر حوزه سیاست خارجی متمرکز بود. حتی مسائل دیگر کشور هم در نهایت به این حوزه می‌رسید. ضمن اینکه میزبان این گفت‌وگو نیز حسین جابری انصاری، مدیرعامل فعلی ایرنا و دیپلمات بلندپایه پیشین بود که رنگ سیاست خارجی در این مصاحبه را بیشتر می‌کرد. این گفت‌وگو، اولین قسمت از برنامه جدید تلویزیون ایرنا با عنوان «به وقت ایران» است. در این گزارش، به بررسی دویخش از صحبت‌های ظریف درباره مسئله نفوذ و همچنین دیپلماسی می‌پردازیم.

▼ چه کسی حرف اسرائیل را می‌زند؟

استاد دانشگاه تهران درباره موضوع نفوذ و بسترسازی برای وقوع آن گفت: «بعضی دلخوری‌ها، بعضی رنجش‌ها، زمینه‌ساز وبسترساز نفوذی‌شود. تاحدی که مداح سیدحسن نصرالله می‌شود عامل نفوذ اسرائیل. یعنی وقتی دنبال نفوذ می‌گردیم بی‌خودی نگاه نکنیم به کسانی که قیافه‌شان با ما فرق می‌کند، نگاه کنیم ببینیم چه کسی دارد حرف اسرائیل را می‌زند؟ چه کسی دارد آن سیاست را دنبال می‌کند و چه کسی می‌خواهد مردم را تقسیم بر دو کند، مردم را به خودی وی خودی و نخودی تقسیم می‌کند؟ چه کسانی هستند که مانع کار اساتید بر جسته ما در دانشگاه می‌شوند و آنها را به خارج می‌فرستند و می‌گویند اینجا کشور ماست و کشور شما نیست! چه کسانی اینها را می‌گویند؟ چه کسی این حق را به ما داده که ما اساتید بر جسته خودمان را در به در کنیم؟ اگر دنبال نفوذ می‌گردیم و می‌خواهیم بفهمیم چرا در لحظه می‌توانند جابه‌جایی‌ها را انجام بدهند. البته تکنولوژی مهم است، اما همه چیز تکنولوژی نیست و ما نباید سر خودمان را کلاه بگذاریم. بالاخره متأسفانه با سوار شدن بر بستر این فاصله‌ها و این گسل‌ها، که آنها خودشان این گسل‌ها را دامن زده‌اند، اما ما افتادیم در بازی آنها و در زمین آنها بازی کردیم. مرتب تقسیم بر دو کردیم و هر کس آمد بقیه را حذف کرد، این بازی، به اینجا رسیده که او می‌تواند در لحظه اطلاعات بگیرد.» او ادامه داد: «اگر بخواهیم جلو برویم، باید سازمان نفوذ را ببندیم. نفوذ الان از یک نفوذی بیشتر شده و الان تبدیل به یک سازمان شده است. سازمانی است که آدم دارد، ولی فکر هم دارد و القات‌هم دارد. همین دودسته‌کردن مردم را هم دارد. همین عجیب است که آدم یک دفعه می‌بیند بعضی افراد در لندن از من حزب‌اللهی‌تر هستند! یا دیگری که در آمریکا نشسته و آنجا دارد زندگی می‌کند و حاضر هم نیست ایران بیاید، نه اینکه ما او را رد کرده باشیم، خودش رفته آنجا و از آنجا برای ما شروع می‌کند نسخه‌چین‌وتنظیم‌ترین موضعگیری‌ها را کردن و اختلاف انداختن بین نیروهای داخل کشور که دلشان برای این مردم می‌تپد و جانشان برای این مردم در می‌رود.» ظریف یادآور شد: «ما باید بفهمیم نفوذ از کجا می‌آید. بفهمیم کاترین شکدم چطورى آمد در کشور ما؟ چرا اینها را فراموش می‌کنیم؟ ببینیم و بفهمیم چه چیزی باعث شده جای فرماندهان ما را به اسرائیلی‌ها لو می‌دهند و آنها دقیق می‌زنند و حتی با دوسه تا تحرک بعدی، باز هم می‌آیند و می‌زنند. بدانیم این نفوذ از کجا آمده؟ این از همان گسل‌هاست، از همین حرف‌ها و از همین فضاهایی که ایجاد شده که ما گروهی از مردم را بیگانه کرده‌ایم و گروهی را بیگانه خواندیم و اینگونه امکان همکاری و همبستگی را کم کردیم.»

▼ دیپلماسی فرصت است، نه تهدید

وزیر پیشین امور خارجه درباره لزوم اصلاح نگاه به خارج از کشور گفت: «اینکه تهدیدمحور به خارج باعث می‌شود نگاه ما نسبت به محیط پیرامونی‌مان، نسبت به جهان، نسبت به سازمان‌های بین‌المللی، بر مبنای تهدید باشد. همه اینها به ما زیاد ظلم کرده‌اند. اگر من بخواهم در مورد جنایاتی که شورای امنیت ملل متحد علیه ایران در طول جنگ تحمیلی روا داشته صحبت کنم، هم کتاب نوشته‌ام و هم می‌شود کتاب‌های مفصلی نوشت و خوب هم صحبت کرده‌ام. اما همه اینها را با قدرتی که پیدا کرده‌ایم، می‌فهمند و کسی نمی‌تواند و حق ندارد بگوید ایران باید تسلیم بشود! کسی دیگر از این جرأت‌ها ندارد و اگر هم این حرف‌ها را می‌زنند برای شون‌گذاران داخلی خودشان می‌زنند. خودش می‌گوید من گفتم ما رژیم و شما هم باید بزنید، و معلوم است که شما باید بزنید و می‌زنید! این یعنی برای ایران شأن قائل است.» او ادامه داد: «درست است که ما همیشه دشمنانی داریم و با ما مخالفت می‌کنند، اما ما خودمان توانسته‌ایم یک سکوی بسیار محکمی بسازیم که به جلوبریم. دیپلماسی یکی از ارکان قدرت ملی است، دیپلماسی مربوط به زمانی نیست که همه ارکان دیگر را از دست داده



یک گزارش

باشیم. خاطرهمست در یکی از دیدارهایی که با سفرادر خدمت‌رهبری داشتیم، گفتند معلوم است کاری را که با دیپلماسی می‌شود انجام داد با جنگ نباید انجام داد، حتما کار کم‌هزینه‌تری است. هر جنگی با دیپلماسی پایان پیدا می‌کند، اگر در جنگ دستاوردی داشتی، دیپلماسی آن دستاورد را تثبیت می‌کند. اگر در جنگ کاستی داشتی، دیپلماسی باید آن کاستی را به‌نحوی جبران کند. چه بهتر که ما زمانی سراغ دیپلماسی برویم که در قدرت هستیم، به‌نظم امروز یکی از زمان‌های قدرت ماست.»

▼ استفاده از پنجره فرصت‌ها

ظریف در بخش دیگری از صحبت‌های خود، درباره لزوم استفاده از فرصت‌ها گفت: «مگر ما زمانی که برجام را شروع کردیم آمریکا دنبال غنی‌سازی صفر نبود؟ مگر گرفت؟ چرا ترامپ گفت سر جان کری کلاه فتنه؟ بخاطر آنکه آنها با فرمان غنی‌سازی صفر وارد مذاکرات شدند، با همان فرمانی که الان ترامپ آمده. او یک حرفی را برای خودش می‌زند! الان شما به ما خسارت وارد کرده‌اید و باید خسارات ما را بدهید. دانش در ذهن ماست، دانش در نظام آموزشی ما گسترده شده، شما چه را دارید بحث می‌کنید که غنی‌سازی باید نابود بشود، قابل نابودی نیست. چرا ما نگرانیم؟» او ادامه داد: «از این پنجره فرصت استفاده کنیم. یک پنجره است، چهارراه نیست، اتوبان نیست. شرایط یکسان نمی‌ماند. قبلاً هم این را عرض کرده‌ام. همه دنبال افزایش اهرم‌های قدرت خودشان هستند، اما به نظر من الان بهترین شرایط است. اسرائیل آمد با قدرت اتمی، که زرادخانه اتمی دارد آن هم بصورت غیرقانونی، چند صد کلاهک هم دارد، ایران که همه می‌دانند سلاح هسته‌ای ندارد؛ اولاً ما اسرائیل را زدیم و به دنیا ثابت کردیم که در برابر اسرائیل اتمی، اینکه این کشور اتمی است ما را به وحشت نمی‌اندازد، ما از خودمان دفاع می‌کنیم. نتوانست رفت باباش را آورد. هم امکانش را داریم و هم اراده [اعمال قدرت‌مان را داریم]. وزیر پیشین امور خارجه تاکید کرد: «[اسرائیل] رفت آمریکا را آورد، مگر آمریکا چکار کرد؟ دانش ما را از بین بُرد؟ فکر ما را از بین بُرد؟ انسجام مردمی ما را که افزایش داد. لذا از این پنجره فرصت استفاده کنیم و دنبال یک راهکاری بگردیم که قدرت ایران را نهادینه‌تر کنیم. به نظر من ابزار نهادینه‌کردن دستاوردها، دیپلماسی است. به دیپلماسی باور کنیم. دیپلماسی نقطه ضعف ما نیست، نقطه قدرت ماست. دیپلمات‌های ما نقطه قوت و ابزار قدرت ما هستند. این از ابزار مهم قدرت معنایی است.»

▼ کسانی از مذاکره می‌ترسند که منطقی برای ارائه ندارند

عبدالرضا رفی‌را، **سفر، پیشین و استاذ ژئوپلیتیک** درباره اهمیت پیگیری دیپلماسی به هم‌میهن گفت: دیپلماسی دووجه قیل و بعد از جنگ دارد. وقتی تشنجی ایجاد می‌شود، دیپلماسی فعال می‌شود. مثلاً در مورد ایران و این موضوع، مسئله غنی‌سازی و برنامه هسته‌ای در میان بود و تلاش‌ها برای جلوگیری از وقوع جنگ صورت می‌گرفت؛ این بسیار با اهمیت است. ایران با درخواستی که آقای ترامپ داشت و نامه‌ای کتبی که نوشته بود، با قدرت وارد دیپلماسی شد و بر سر اصولش ایستاد. پنج دور گفت‌وگو انجام شد و آن‌ها این حق را زدند و وارد جنگ شدند. درست است که ما خسارت‌هایی دیدیم و به‌طرف مقابل هم خسارت‌هایی زدیم، اما دنیا کاملاً متوجه‌شد که ایران از طریق دیپلماسی وارد کاهش تنش شده بود و قدرت خود را از این منظر نشان داد و بر آنچه خواسته‌هایش هستند، ایستاد. اینکه جنگ کوتاه‌مدتی رخ داد، مسئولیتش با آن‌هایی است که دیپلماسی و قواعد آن در کنار قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشتند. ایران در ابتدا غافلگیر شد اما توانست خود را جمع کند و ضربه‌هایی به طرف مقابل زد که باعث شد اسرائیل برود و از ابر قدرت دنیا یعنی آمریکا که حامی اصلی‌اش بود بخواهد که این جنگ متوقف و آتش بس برقرار شود. ایران که دنبال آتش بس نرفت، آن‌ها به دلایل مختلف از جمله موضوع کمبود مهمات، شرایط جغرافیایی، و مشکلات روانی که مردمش پیدا کرده بودند، دنبال این کار رفت.»

او ادامه داد: «اینکه طرف مقابل در خواست آتش بس کرده به این معنی نیست که ما دیپلماسی را رها و جنگی دیگر را به خود تحمیل کنیم و خسارت‌هایی دیگر ببینیم. به هر نحوی که می‌شود، باید وارد گفت‌وگو شویم و از جنگی دیگر بگریزیم. توافق آتش‌بسی میان دو طرف ایجاد نشده و جنگ می‌تواند از هر طرف بار دیگر از سر گرفته شود. بنابراین باید از دیپلماسی برای کاهش تنش استفاده شود و سپس از این مسیر به سمت راه حل نهایی دیپلماتیک و سیاسی حرکت کنیم. دیپلماسی همیشه قدرت است. با دست‌برتری می‌توان وارد دیپلماسی شد. آن‌هایی که از این حوزه می‌ترسند، از خودشان چیزی ندارند که در مذاکرات ارائه کنند. ما اصولی داریم و بر اساس آن پیش می‌رویم و خواسته‌های خود را مطرح می‌کنیم. غنی‌سازی حق ایران است و کشورهای عضو برجام آن را در توافق هسته‌ای پذیرفتند. حرف ما کاملاً منطقی است. حالا فرض کنید طرف مقابل می‌آید و دست روی برد موشک‌های ما می‌گذارد و می‌گوید نباید از فلان